**اظهارنظر عمومی شماره ۱۲ (۲۰۰۹)؛  
 حق کودک بر شنیده شدن**

**حق کودک بر شنیده شدن**

*ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌کند:*

*۱. كشورهاي‌ طرف‌ كنوانسيون‌ تضمين‌ خواهند كرد كودكي‌ كه‌ قادر به‌ شكل‌ دادن‌ به‌ عقايد خود مي‌باشد، بتواند اين‌ عقايد را آزادانه‌ درباره‌ تمام‌ موضوعاتي‌ كه‌ مربوط‌ به‌ وي‌ مي‌شود ابراز كند. به‌ نظرات‌ كودك‌ مطابق‌ با سن‌ و بلوغ‌ وي‌ بها داده‌ شود.*

*۲. بدين‌ منظور، خصوصاً براي‌ كودك‌ فرصت‌هایی‌ فراهم‌ آورده‌ شود تا بتواند در هر يك‌ از مراحل‌ دادرسي‌ اجرائي‌ و قضايي‌ مربوط‌ به‌ وي‌ به‌ طور مستقيم‌ يا از طريق‌ يك‌ نماينده‌ يا شخصي‌ مناسب‌ به‌ طريقي‌ كه‌ مطابق‌ با مقررات‌ اجرائي‌ قوانين‌ ملي‌ باشد، ابراز عقيده‌ نمايد.*

**اول. مقدمه**

۱. ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک (کنوانسیون) یک مقرره منحصربه‌فرد در یک معاهده حقوق بشری است؛ به وضعیت قانونی و اجتماعی کودکان که از یک سو از استقلال کامل بزرگ‌سالان برخوردار نیستند و از سوی دیگر، موضوع حقوق هستند، می‌پردازد. پاراگراف ۱ تضمین می‌کند که هر کودک بتواند دیدگاه‌های خود را شکل داده، حق بیان آزادانه آن دیدگاه‌ها را در تمام مسائل تاثیر گذار بر کودک داشته باشد و دیدگاه‌های کودک با توجه به سن و بلوغ او مورد توجه قرار گیرد. در پاراگراف ۲ به طور مشخص بیان می‌کند که کودک در هرگونه رسیدگی قضایی یا اداری که بر او تاثیر می‌گذارد، حق برخورداری از حق شنیده شدن را دارد.

۲. حق همه کودکان بر شنیده شدن و جدی گرفتن آن‌ها یکی از ارزش‌های اساسی کنوانسیون است. کمیته حقوق کودک (کمیته) ماده ۱۲ را به‌عنوان یکی از چهار اصل کلی کنوانسیون شناسایی کرده است؛ دیگر اصول عبارت‌اند از حق عدم تبعیض، حق زندگی و توسعه و توجه اولیه به بهترین منافع کودک که این واقعیت را برجسته می‌کند که این ماده نه‌تنها یک حق را ایجاد می‌کند، بلکه باید در تفسیر و اجرای حقوق دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد.

۳. از زمان تصویب این کنوانسیون در سال ۱۹۸۹، پیشرفت قابل‌توجهی در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در توسعه قوانین، سیاست‌ها و روش‌هایی برای ترویج اجرای ماده ۱۲ به دست آمده است. در سال‌های اخیر عملکردی به طور گسترده به‌عنوان «مشارکت» ظهور پیدا کرده است، اگر چه این اصطلاح در متن ماده ۱۲ نیامده است. این اصطلاح تکامل یافته است و اکنون به طور گسترده‌ای برای توصیف فرایندهای در حال انجام که شامل تبادل اطلاعات و گفتگو بین کودکان و بزرگ‌سالان مبتنی بر احترام متقابل است و در آن کودکان می‌توانند یاد بگیرند که چگونه دیدگاه‌های آن‌ها و بزرگ‌سالان به حساب آمده و نتیجه چنین فرایندهایی را شکل می‌دهند.

۴. کشورهای عضو بر تعهد خود در مورد تحقق ماده ۱۲ در جلسه ویژه بیست و هشتم مجمع عمومی در مورد کودکان در سال ۲۰۰۲ تأیید می‌کنند.[[1]](#footnote-1) اما کمیته یادآور می‌شود که در اکثر جوامع در سراسر جهان، اجرای حق کودک برای بیان دیدگاه وی در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل که او را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حق در نظر گرفته شدن این دیدگاه‌ها، همچنان با موانع بسیاری از رفتارها و نگرش‌های طولانی‌مدت و موانع سیاسی و اقتصادی مواجهه است. درحالی‌که بسیاری از کودکان با مشکلات مواجه هستند، کمیته به ویژه مشخص می‌کند گروه‌های خاصی از کودکان، از جمله پسران و دختران جوان و همچنین کودکان متعلق به گروه‌های حاشیه‌نشین و محروم، با موانع خاصی در تحقق حقوقشان مواجه هستند. کمیته همچنان نگران کیفیت بسیاری از شیوه‌های موجود است. درک بهتر از اینکه ماده ۱۲ چیست و چطور آن را به طور کامل برای هر کودک می‌توان اجرا کرد، ضرورت دارد.

۵. در سال ۲۰۰۶، کمیته یک روز بحث عمومی درباره حق کودک برای شنیده شدن به منظور بررسی معنی و اهمیت ماده ۱۲، ارتباط آن با مواد دیگر و شکاف‌ها، شیوه‌های خوب و مسائل در اولویت که برای بهبود بهره‌مندی از این حقوق باید مورد توجه قرار گیرد، برگزار کرد.[[2]](#footnote-2) اظهارنظر عمومی حاضر از مبادله اطلاعات آن روز، از جمله با کودکان، تجربه کمیته از بررسی گزارش کشورهای عضو و تجربه و تخصص بسیار مهم ترجمه حق مندرج در ماده ۱۲ در اقدام دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های اجتماعی، ارگان‌های توسعه و خود کودکان، به وجود آمده است.

۶. اظهارنظر عمومی حاضر ابتدا یک تحلیل قانونی از دو پاراگراف ماده ۱۲ ارائه می‌دهد و سپس الزامات لازم برای شناسایی کامل این حق، از جمله در مراحل قضایی و اداری به طور خاص (بخش الف) را توضیح می‌دهد. در بخش ب، ارتباط ماده ۱۲ با سه اصل دیگر کنوانسیون و همچنین ارتباط آن با مواد دیگر، مورد بحث قرار خواهد گرفت. الزامات و تأثیر حق کودک بر شنیده شدن در شرایط و تنظیمات مختلف، در بخش ج توضیح داده شده است. بخش د الزامات اساسی برای اجرای این حق را بیان می‌کند و نتیجه‌گیری‌ها در بخش الف ارائه شده است.

۷. کمیته توصیه می‌کند که دولت‌های عضو اظهارنظر عمومی حاضر را به طور گسترده بین دولت و ادارات و همچنین کودکان و جامعه مدنی منتشر کنند. این امر ترجمه آن به زبان‌های مربوطه و در دسترس قرار دادن نسخه‌های متناسب برای کودکان، برگزاری کارهای آموزشی و سمینارها برای بحث در مورد پیامدهای آن و نحوه اجرای بهتر آن و همچنین استفاده از آن در آموزش افراد حرفه‌ای که با کودکان و برای کودکان کار می‌کنند را ضروری می‌کند.

**دوم اهداف**

۸. هدف کلی اظهارنظر عمومی حمایت از دولت‌های عضو در اجرای موثر ماده ۱۲ است. در این راستا، تلاش دارد:

• درک معنای ماده ۱۲ و پیامدهای آن برای دولت‌ها، ذینفعان، سازمان‌های غیردولتی و جامعه به طور کلی را تقویت کند؛

• دامنه قوانین، سیاست و عمل لازم برای دستیابی به اجرای کامل ماده ۱۲ را توسعه دهد؛

• رویکردهای مثبت در اجرای ماده ۱۲ با بهره‌مندی از تجربه نظارتی کمیته را برجسته کند؛

• الزامات اساسی برای راه‌های مناسب جهت بها دادن به نظرات کودکان در همه مواردی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد را پیشنهاد دهد؛

**سوم. حق شنیده شدن: حق کودکان به طور فردی و حق گروه‌های کودکان**

۹. اظهارنظر عمومی بر اساس تمایز کمیته بین حق شنیده شدن کودک به طور فردی و حق شنیده شدن برای گروهی از کودکان (مانند یک کلاس از دانش آموزان، کودکان در یک محله، کودکان کشور، کودکان دارای معلولیت، یا دختران) ساختاربندی شده است. این یک تمایز مرتبط است، زیرا کنوانسیون مقرر می‌کند که کشورهای عضو باید حق کودک به شنیده شدن را با توجه به سن و بلوغ کودک تضمین کنند (تجزیه و تحلیل قانونی زیر از پاراگراف ۱ و ۲ و ماده ۱۲ را ببینید).

۱۰. شرایط سن و بلوغ را می‌توان هنگامی که یک کودک شنیده می‌شود و همچنین زمانی که یک گروه از کودکان دیدگاه‌های خود را بیان می‌کنند، ارزیابی کرد. ارزیابی سن و بلوغ کودک هنگامی که گروه مورد نظر جزء یک ساختار پایدار، مانند یک خانواده، یک کلاس از دانش آموزان یا ساکنین یک محله خاص است، تسهیل می‌شود، اما هنگامی که کودکان خود را به طور جمعی بیان می‌کنند، سخت تر می‌شود. حتی هنگام مواجهه با مشکلات در ارزیابی سن و بلوغ، کشورهای عضو باید کودکان را به‌عنوان یک گروه در نظر بگیرند و کمیته به شدت توصیه می‌کند که دولت‌های عضو تمام تلاش خود را برای گوش دادن و یا دنبال کردن دیدگاه‌های آن دسته از کودکان که به طور جمعی صحبت می‌کنند، به کار برند.

۱۱. کشورهای عضو باید کودک را تشویق کنند تا یک دیدگاه آزاد شکل دهد و محیطی فراهم کنند که کودک بتواند از حق خود برای شنیده شدن استفاده کند.

۱۲. دیدگاه‌های بیان شده توسط کودکان ممکن است دیدگاه‌ها و تجربیات مربوطه را اضافه کند و باید در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تهیه قوانین و / یا اقدامات و همچنین ارزیابی آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

۱۳. این فرایندها معمولاً «مشارکت» نامیده می‌شود. اعمال حق کودک یا کودکان به شنیده شدن، یک عنصر حیاتی برای چنین فرآیندهایی است. مفهوم مشارکت تأکید می‌کند که در نظر گرفتن کودکان نباید تنها یک عمل لحظه‌ای، بلکه باید نقطه شروع برای تبادل بین کودکان و بزرگ‌سالان در توسعه سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات در تمام زمینه‌های مربوط به زندگی کودکان باشد.

۱۴. در بخش الف (تحلیل قانونی) اظهارنظر عمومی، کمیته با حق یک کودک به شنیده شدن سروکار دارد. در بخش ج (اجرای حق شنیده شدن در شرایط و موقعیت‌های مختلف)، کمیته حق شنیده شدن کودکان به طور فردی و گروهی را در نظر می‌گیرد.

**الف. تجزیه و تحلیل حقوقی**

۱۵. ماده ۱۲ کنوانسیون حق هر کودک را به بیان آزادانه دیدگاه خود در همه مواردی که بر او تاثیر می‌گذارد و حقوق متعاقب بها دادن به آن نظرات را با توجه به سن و بلوغ کودک تعیین می‌کند. این حق تعهد قانونی روشن بر کشورهای عضو برای رسمیت شناختن این حق و تضمین اجرای آن با گوش دادن به دیدگاه‌های کودک و بها دادن به آن‌ها تحمیل می‌کند. این تعهد مستلزم آن است که کشورهای عضو، با توجه به سیستم قضایی خاص خود، یا به طور مستقیم این حق را تضمین کنند، یا قوانینی را تصویب کرده یا اصلاح کنند که کودکان به طور کامل از این حق برخوردار شوند.

۱۶. اگرچه کودک می‌تواند از این حق استفاده نکند. ابراز نظر برای کودک یک انتخاب است نه یک تعهد. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که کودک همه اطلاعات و راهنمایی‌های لازم برای تصمیم‌گیری در راستای بهترین منافع خود را دریافت کرده است.

۱۷. ماده ۱۲ به‌عنوان اصل کلی مقرر می‌کند که کشورهای عضو باید تلاش کنند که تفسیر و اجرای تمامی حقوق دیگر که در کنوانسیون گنجانده شده است، توسط آن هدایت شود.[[3]](#footnote-3)

۱۸. ماده ۱۲ نشان می‌دهد که کودک دارنده حقوقی است که بر زندگی‌اش تاثیر می‌گذارد، نه فقط حقوقی که ناشی از آسیب‌پذیری او (حمایت) یا وابستگی‌اش به بزرگ‌سالان است (مقررات).[[4]](#footnote-4) کنوانسیون کودک را به‌عنوان یک موضوع حقوق می‌شناسد و تصویب تقریباً جهانی این سند بین‌المللی توسط کشورهای عضو بر این وضعیت کودک تأکید می‌کند که به طور واضح در ماده ۱۲ بیان شده است.

۱**. تجزیه و تحلیل لغوی ماده ۱۲**

(الف) پاراگراف ۱ ماده ۱۲

(۱)«تضمین خواهند کرد»

۱۹. پاراگراف ۱ ماده ۱۲ مقرر می‌کند كه كشورهاي عضو، حق كودك به بیان آزادانه عقاید خود را «تضمین خواهند کرد». «تضمین خواهند کرد» یک اصطلاح قانونی با قدرت ویژه است که جایی برای اختیار دولت‌های عضو نمی‌گذارد. بر این اساس، کشورهای عضو متعهد به انجام اقدامات مناسب برای اجرای کامل این حق برای همه کودکان هستند. این تعهد حاوی دو عنصر است تا اطمینان حاصل شود که مکانیسم‌هایی برای ابراز نظرات کودک در همه مواردی که بر او تاثیر می‌گذارد و بها دادن به آن نظرات وجود دارد.

(۲) «قادر به شکل دادن به دیدگاه‌های خود»

۲۰. دولت‌های عضو باید حق شنیده شدن را برای هر کودکی که «قادر به شکل دادن به دیدگاه‌های خود» است، تضمین کنند. این عبارت نباید به‌عنوان یک محدودیت، بلکه به‌عنوان تعهدی برای کشورهای عضو جهت ارزیابی ظرفیت کودک برای شکل دادن به یک عقیده عینی به حداکثر ممکن محسوب شود. این بدان معنی است که کشورهای عضو نمی‌توانند این‌طور فرض کنند که کودک قادر به بیان دیدگاه‌های خود نیست، برعکس، کشورهای عضو باید فرض کنند که کودک توانایی شکل دادن به دیدگاه‌های خود را دارد و تشخیص دهند که او حق دارد آن‌ها را بیان کند؛ بار اثبات توانایی بر عهده کودک نیست.

۲۱. کمیته تأکید می‌کند که ماده ۱۲ هیچ محدودیت سنی در مورد حق فرزند برای بیان دیدگاه‌هایش ندارد و دولت‌های عضو را از معرفی محدودیت‌های سن در قانون و یا در عمل که حق شنیده شدن کودک در تمام مسائلی که بر او تاثیر می‌گذارد را محدود می‌کند، منع می‌کند. در این رابطه، کمیته موارد زیر را برجسته می‌کند:

• اول، در توصیه‌های خود پس از روز بحث عمومی در مورداجرای حقوق کودک در اوایل کودکی در سال ۲۰۰۴، کمیته تأکید کرد که مفهوم کودک به‌عنوان دارنده حقوق ریشه «... در زندگی روزمره کودک از مرحله اولیه دارد».[[5]](#footnote-5) تحقیقات نشان می‌دهد که کودک قادر به شکل دادن به دیدگاه‌های خود از جوان‌ترین سن است، حتی زمانی که او نتواند آن‌ها را به صورت شفاهی بیان کند.[[6]](#footnote-6) در نتیجه، اجرای کامل ماده ۱۲ نیازمند شناخت و احترام به اشکال غیر کلامی ارتباطی از جمله بازی، زبان اشاره، بیان چهره و ترسیم و نقاشی است که از طریق آن کودکان بسیار جوان درک، انتخاب و ترجیحات خود را نشان دهند.

• دوم، ضروری نیست که کودک اطلاعات جامع از تمام جنبه‌های مسائلی که بر او تاثیر می‌گذارد، داشته باشد اما او باید درک کافی داشته باشد تا بتواند دیدگاه خود را نسبت به این موضوع به طور مناسب شکل دهد.

• سوم، کشورهای عضو همچنین متعهد به تضمین اجرای این حق برای کودکان مبتلا به مشکل در شنیده شدن دیدگاه‌های خود هستند. به‌عنوان مثال، کودکان دارای معلولیت باید مجهز بوده و بتوانند از هر نوع وسیله ارتباطی لازم برای تسهیل بیان دیدگاه‌هایشان استفاده کنند. باید تلاش‌های لازم برای تشخیص حق بیان دیدگاه‌های اقلیت‌ها، کودکان بومی و مهاجر و سایر کودکان که زبان اکثریت را صحبت نمی‌کنند، انجام شود.

• در نهایت، کشورهای عضو باید از پیامدهای منفی احتمالی انجام بی‌قیدوشرط این حق آگاه باشند، به ویژه در مواردی که کودکان بسیار جوان درگیر هستند، یا در مواردی که کودک قربانی جرم جنایی، سوءاستفاده جنسی، خشونت یا اشکال دیگر بدرفتاری بوده است. کشورهای عضو باید کلیه اقدامات لازم را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که حق شنیده شدن برای حصول اطمینان از حمایت کامل از کودک اجرا شده است.

(۳) «حق بیان آزادانه آن دیدگاه‌ها»

۲۲. کودک حق «آزادانه بیان آن دیدگاه‌ها را دارد». «آزادانه» به این معنی است که کودک بدون فشار می‌تواند نظرات خود را بیان کند و می‌تواند انتخاب کند که آیا او می‌خواهد حق خود را برای شنیده شدن اعمال کند یا خیر. «آزادانه» همچنین بدان معنی است که کودک نباید مورد سو استفاده قرار گیرد یا تحت تاثیر یا فشار نامناسب باشد. علاوه بر این «آزادانه» به طور ذاتی مربوط به دیدگاه «خود» کودک است: کودک حق دارد نظرات خود را بیان کند و نه نظرات دیگران را.

۲۳. کشورهای عضو باید شرایطی را برای بیان دیدگاه‌هایی که وضعیت فردی و اجتماعی کودک محسوب شده و محیطی را که در آن کودک به لحاظ بیان آزادانه نظرات خود احساس احترام و امنیت داشته باشد، تضمین کنند.

۲۴. کمیته تأکید می‌کند که کودک نباید بیشتر از موارد ضروری مصاحبه شود، به‌خصوص هنگامی که رویدادهای مضر موردبررسی قرار می‌گیرند. «تحقیقات از کودک» یک فرایند دشوار است که می‌تواند تأثیرات روحی بر کودک داشته باشد.

۲۵. تحقق حق کودک برای ابراز نظرات او مستلزم آن است که کودک در مورد مسائل، گزینه‌ها و تصمیمات احتمالی که باید گرفته شود و پیامدهای آن‌ها توسط کسانی که مسئول تحقیق از کودک هستند و والدین یا سرپرست کودک، مطلع شود. همچنین باید کودک در مورد شرایطی که تحت آن از وی خواسته می‌شود که دیدگاه خود را بیان کند مطلع شود. این حق به اطلاعات ضروری است، زیرا پیش‌شرط تصمیمات مشخص کودک است.

(۴) «در همه مسائل مربوط به کودک»

۲۶. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که کودک قادر به بیان نظرات خود در «همه مسائل مربوط به» او است. این نشان‌دهنده شرط دوم این حق است: کودک باید شنیده شود درصورتی‌که موضوع مورد بحث بر او اثر می‌گذارد. این شرط اساسی باید رعایت شده و عمیقاً درک شود.

۲۷. گروه کاری باز که توسط کمیسیون حقوق بشر ایجاد شد که پیش‌نویس متن کنوانسیون را تهیه کرد، پیشنهاد تعریف این موضوعات را با یک لیست محدود در نظر گرفتن دیدگاه‌های کودک یا کودکان رد کرد. در عوض، تصميم گرفته شد که حق شنيده شدن کودک به «تمام مسائل مربوط به کودک» اشاره کند. کمیته نگران است که کودکان اغلب از حق شنیده شدن محروم می‌شوند، گرچه واضح است که موضوع مورد بحث بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد و آن‌ها قادر به ابراز نظرات خود در رابطه با این موضوع هستند. درحالی‌که کمیته از تعریف موسع از «مسائل» حمایت می‌کند که شامل مسائلی هم می‌شود که به صراحت در کنوانسیون ذکر نشده است، بند «تاثیر بر کودک» را به رسمیت می‌شناسد که به منظور روشن شدن اینکه هیچ مأموریت سیاسی در نظر گرفته نشده است، اضافه‌شده است؛ اما در عمل، از جمله اجلاس جهانی برای کودکان، نشان می‌دهد که تفسیر گسترده مسائلی که بر کودک و کودکان تاثیر می‌گذارد کمک می‌کند تا کودکان در فرایندهای اجتماعی جامعه در نظر گرفته شوند؛ بنابراین، کشورهای عضو باید به دقت دیدگاه‌های کودکان را هر کجا که دیدگاه آن‌ها می‌تواند کیفیت راه‌حل‌ها را بهبود بخشد، بشنوند.

(۵) «با توجه به سن و بلوغ کودک»

۲۸. دیدگاه‌های کودک باید با توجه به سن و بلوغ کودک مورد توجه قرار گیرد. این بند به ظرفیت کودک که باید به منظور بها دادن به نظرات وی ارزیابی شود و یا اطلاع کودکان از نحوه‌ای که این دیدگاه‌ها بر نتایج این روند تأثیر داشته است، اشاره می‌کند. ماده ۱۲ تصریح می‌کند که صرفاً گوش دادن به کودک کافی نیست؛ دیدگاه‌های کودک، زمانی که کودک قادر به شکل دادن دیدگاه‌های خود باشد، باید به‌طورجدی در نظر گرفته شود.

۲۹. با الزام بها دادن به سن و بلوغ، ماده ۱۲ روشن می‌سازد که سن به تنهایی اهمیت دیدگاه کودک را تعیین نمی‌کند. سطح درک کودکان با سن بیولوژیکی آن‌ها مرتبط نیست. تحقیقات نشان داده است که اطلاعات، تجربه، محیط‌زیست، انتظارات اجتماعی و فرهنگی و سطوح حمایت، همه به توسعه توانایی‌های کودک برای شکل دادن یک دیدگاه کمک می‌کند. به همین دلیل، دیدگاه‌های کودک باید مورد به موردبررسی شود.

۳۰. بلوغ به توانایی درک و ارزیابی پیامدهای یک موضوع خاص اشاره دارد و بنابراین باید در هنگام تعیین ظرفیت فردی کودک مورد توجه قرار گیرد. تعریف بلوغ دشوار است؛ درزمینهٔ ماده ۱۲، ظرفیت یک کودک است که نظرات خود را در مورد مسائل به صورتی معقول و مستقل بیان کند. تاثیر موضوع بر کودک نیز باید مورد توجه قرار گیرد. هر چه اثر نتیجه بر زندگی کودک بیشتر شود، ارزیابی مناسب‌تر از بلوغ آن کودک مرتبط‌تر است.

۳۱. باید به مفهوم ظرفیت‌های در حال رشد کودک و راهنمایی والدین توجه شود. (به پاراگراف ۸۴ و بخش ج در زیر مراجعه کنید).

**(ب) پاراگراف ۲ ماده ۱۲**

**(۱) حق «شنیده شدن در هر رسیدگی قضایی و اداری که بر کودک اثر می‌گذارد».**

۳۲. پاراگراف ۲ ماده ۱۲، مشخص می‌کند که فرصت‌های شنیده شدن باید به طور خاص «در هرگونه رسیدگی قضایی و اداری که کودک را تحت تاثیر قرار می‌دهد» ارائه شود. کمیته بر این نکته تأکید می‌کند که این مفاد در مورد تمام رسیدگی‌های قضایی تاثیر گذار بر کودکان بدون محدودیت از قبیل جدایی والدین، نگهداری، مراقبت و فرزندخواندگی، کودکانی که مشکل قانونی دارند، کودکان قربانی خشونت فیزیکی یا روحی، سوءاستفاده جنسی یا جرائم دیگر، مراقبت‌های بهداشتی، امنیت اجتماعی، کودکان بدون همراه، کودکان پناه‌جو و پناهندگان و قربانیان درگیری‌های مسلحانه و سایر موارد اضطراری، اعمال می‌شود. به طور مثال پرونده‌های اداری شامل مواردی مانند تصمیم‌گیری در مورد آموزش کودکان، سلامت، محیط‌زیست، شرایط زندگی یا حمایت می‌شود. هر دو نوع رسیدگی ممکن است شامل مکانیزم های حل اختلاف جایگزین مانند میانجیگری و داوری باشد.

۳۳. حق شنیده شدن بر هر دو رسیدگی که توسط کودک آغاز می‌شود، مانند شکایت علیه بدرفتاری و تجدید نظر در مورد محرومیت از تحصیل و همچنین شکایاتی که توسط دیگران آغاز شده که بر کودک تاثیر می‌گذارد، مانند جدایی والدین یا فرزندخواندگی، اعمال می‌شود. کشورهای عضو تشویق می‌شوند تا اقدامات قانونی را معرفی کنند که تصمیم‌گیرندگان در رسیدگی‌های قضایی یا اداری را موظف به توضیح میزان توجه به دیدگاه‌های کودک و پیامدهای آن برای کودک می‌کند.

۳۴. کودک نمی‌تواند به طور مؤثری شنیده شود جایی که محیط پیرامونش او را تهدید می‌کند، خصمانه، غیر حساس یا نامناسب برای سن او است. رسیدگی‌ها باید قابل‌دسترسی و مناسب باشند. توجه ویژه باید به ارائه و تحویل اطلاعات کودک پسند، حمایت کافی از دفاع از خود، کارکنان آموزش‌دیده مناسب، طراحی اتاق‌های دادگاه، لباس قضات و وکلا، صفحه‌نمایش و اتاق‌های جداگانه انتظار اختصاص داده شود.

**(۲) «به طور مستقیم یا از طریق یک نماینده یا نهاد مناسب»**

۳۵. پس از آنکه کودک تصمیم گرفت که شنیده شود، باید تصمیم بگیرد که چگونه شنیده شود: «به طور مستقیم یا از طریق نماینده یا نهاد مناسب». کمیته توصیه می‌کند که هر جا که امکان دارد، کودک باید فرصت داشته باشد که در هر جلسه‌ای مستقیماً شنیده شود.

۳۶. نماینده می‌تواند والدین، وکیل و یا شخص دیگری (مثلاً یک مددکار اجتماعی) باشد. بااین‌حال، باید تأکید کرد که در بسیاری از موارد (مدنی، کیفری یا اداری)، خطر تضاد منافع بین فرزند و واجد شرایط ترین نماینده او (والدین) وجود دارد. اگر شنیده شدن کودک از طریق یک نماینده انجام شود، بسیار مهم است که دیدگاه کودک به تصمیم‌گیرندگان از طریق نماینده منتقل شود. روش انتخاب‌شده باید توسط کودک (و یا توسط مقامات مناسب در صورت لزوم) با توجه به وضعیت خاص او مشخص شود. نمایندگان باید از جنبه‌های مختلف روند تصمیم‌گیری و تجربه در کار با کودکان، دانش و درک کافی داشته باشند.

۳۷. نماینده باید آگاه باشد که او منحصراً منافع کودک و نه منافع دیگر اشخاص (والدین)، نهادها یا سازمان‌ها (مثلاً محل‌های نگهداری، نهادهای اداری یا جامعه) را نمایندگی می‌کند. کدهای رفتاری باید برای افرادی که برای نمایندگی کودک منصوب می‌شوند، تعیین شود.

**(۳) «به شیوه‌ای منطبق با مقررات اجرایی قوانین ملی»**

۳۸. فرصت نمایندگی باید «به شیوه‌ای منطبق با مقررات اجرایی قوانین ملی» باشد. این بند نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که اجازه استفاده از مقررات اجرایی را دهد که باعث محدودیت یا مانع بهره‌مندی از این حقوق اساسی می‌شود. برعکس، کشورهای عضو تشویق می‌شوند تا با قوانین اساسی دادرسی عادلانه، مانند حق دفاع و حق دسترسی به پرونده‌های خود، منطبق باشند.

۳۹. هنگامی که قواعد دادرسی را رعایت نکنند، تصمیم دادگاه یا مقامات اداری به چالش کشیده می‌شود و ممکن است برگردانده شوند، تغییر پیدا کنند و یا برای بررسی قانونی بیشتر ارجاع شوند.

**۲. مراحل اجرای حق شنیده شدن کودک**

۴۰. اجرای دو پاراگراف ماده ۱۲ مستلزم اتخاذ پنج مرحله جهت به رسمیت شناختن موثر حق کودک به شنیده شدن در هر زمانی است که موضوع بر کودک اثر می‌گذارد یا زمانی که کودک دعوت می‌شود نظر خود را در رسیدگی رسمی و سایر موارد بیان کند. این الزامات باید به شیوه‌ای مناسب برای زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

**) الف) آماده‌سازی**

۴۱. کسانی که مسئول شنیده شدن کودک هستند، باید اطمینان حاصل کنند که کودک در مورد حق وی نسبت به ابراز نظرات خود در تمام مسائل مربوط به او و به ویژه در هر فرآیند تصمیم‌گیری قضایی و اداری و در مورد تأثیری که دیدگاه‌های اظهار شده او در نتیجه دارد، مطلع شود. علاوه بر این، کودک باید اطلاعاتی در مورد گزینه ارتباط مستقیم یا از طریق یک نماینده دریافت کند. او باید از عواقب احتمالی این انتخاب آگاهی داشته باشد. تصمیم گیرنده باید کودک را قبل از جلسه به طور مناسب آماده کند و توضیحاتی در مورد نحوه، زمان و جایی که دادرسی برگزار می‌شود و اینکه شرکت کنندگان چه کسانی هستند فراهم کرده و باید نظرات کودک در این زمینه را در نظر داشته باشد.

**(ب) دادرسی**

۴۲. زمینه‌ای که در آن کودک حق شنیده شدن خود را اعمال می‌کند باید توانمند ساز و تشویقی باشد تا کودک بتواند اطمینان حاصل کند که بزرگ‌سالانی که مسئول شنیده شدن او هستند مایل به گوش دادن و جدی گرفتن آنچه کودک تصمیم به گفتن دارد، هستند. فردی که دیدگاه‌های کودک را می‌شنود، می‌تواند یک بزرگ‌سال که در امور مربوط به کودک دخالت دارد (مانند معلم، مددکار اجتماعی یا مراقب)، تصمیم گیرنده در یک موسسه (به‌عنوان مثال مدیر، مدیر یا قاضی) یا متخصص (به‌عنوان مثال یک روانشناس یا پزشک) باشد.

۴۳. تجربه نشان می‌دهد که وضعیت باید فرمت یک بحث، نه یک آزمون یک‌طرفه را داشته باشد. ترجیحاً جلسه دادگاه کودک نباید علنی بوده و باید تحت شرایط محرمانه باشد.

**(ج) ارزیابی ظرفیت کودک**

۴۴. زمانی که بررسی مورد به مورد نشان‌دهنده آن است که کودک قادر به شکل دادن به دیدگاه‌های خود است، به نظرات کودک باید بها داده شود. اگر کودک قادر به شکل دادن دیدگاه‌های خود به شیوه‌ای معقول و مستقل باشد، تصمیم گیرنده باید دیدگاه‌های کودک را به‌عنوان عامل مهمی در حل مسئله مورد توجه قرار دهد. روش خوب برای ارزیابی ظرفیت کودک باید توسعه یابد.

**(د) اطلاعات در مورد بها دادن به دیدگاه کودک (بازخورد)**

۴۵. ازآنجایی‌که كودك از حق بها دادن به ديدگاهش برخوردار است، تصميم گيرنده بايد كودك را از نتايج فرآيند و چگونگي در نظر گرفته شدن نظر او مطلع کند. بازخورد تضمین‌کننده آن است که دیدگاه‌های کودک نه‌تنها به صورت رسمی شنیده می‌شوند، بلکه به‌طورجدی مورد توجه قرار می‌گیرند. اطلاعات ممکن است کودک را آماده اصرار، موافقت یا ارائه یک پیشنهاد دیگر یا در مورد رسیدگی قضایی یا اداری تجدید نظر یا شکایت کند.

**(ه) شکایات، غرامت و جبران خسارت**

۴۶. قوانینی ​​جهت فراهم کردن روش‌های رسیدگی به شکایات و جبران خسارت، زمانی که حق شنیده شدن و بها دادن به دیدگاه‌هایشان نقض شده و مورد نقض قرار گرفته است، ضرورت دارد.[[7]](#footnote-7)

کودکان باید امکان مورد خطاب قرار دادن آمبودزمان یا شخصی با وظیفه مشابه را در همه مؤسسات کودکان، از جمله در مدارس و مراکز مراقبت روزانه جهت بیان شکایات خود داشته باشند. کودکان باید بدانند که این افراد چه کسانی هستند و چگونه به آن‌ها دسترسی پیدا می‌کنند. در مورد درگیری‌های خانوادگی در مورد دیدگاه‌های کودکان، کودک باید قادر به مراجعه به یک فرد در مراکز خدماتی جوانان یا گروه باشد.

۴۷. در صورتی که حق شنیده شدن کودک در ارتباط با رسیدگی‌های قضایی و اداری نقض شده باشد (پاراگراف ۲ ماده ۱۲)، کودک باید دسترسی به روش‌های تجدیدنظر و شکایات جهت جبران نقض حقوق را داشته باشد. روش‌های شکایات باید مکانیسم‌های قابل اطمینان جهت تضمین اینکه کودک برای استفاده از آن‌ها راحت است و آن‌ها را در معرض خطر خشونت یا مجازات قرار نخواهد داد، فراهم کند.

**۳. وظایف کشورهای عضو**

**(الف) تعهدات اصلی کشورهای عضو**

۴۸. حق کودک به شنیده شدن دولت‌های عضو را متعهد به بررسی یا اصلاح قوانین خود به منظور ایجاد مکانیسم جهت دسترسی کودکان به اطلاعات مناسب، حمایت کافی، در صورت لزوم، باز خورد (فیدک بک) در مورد ارزش نهادن بر دیدگاه‌های آن‌ها و مراحل شکایت، غرامت یا جبران خسارت می‌کند.

۴۹. برای انجام این تعهدات، کشورهای عضو باید استراتژی‌های زیر را اتخاذ کنند:

• مرور و لغو اعلامیه‌های محدودکننده و حق شرط به ماده ۱۲

• ایجاد موسسات مستقل حقوق بشر، مانند آمبودزمان کودکان و یا کمیسر با وظیفه گسترده برای حقوق کودکان[[8]](#footnote-8)؛

• ارائه آموزش در مورد ماده ۱۲ و کاربرد آن در عمل برای تمام افراد حرفه‌ای که با کودکان و نوجوانان و برای آن‌ها کار می‌کنند، از جمله وکلا، قضات، پلیس، مددکاران اجتماعی، مددکاران، روانشناسان، مراقبین، افسران زندان و مراکز نگهداری، معلمان در تمام سطوح سیستم آموزشی، پزشکان، پرستاران و متخصصین بهداشت، کارمندان و مقامات دولتی، افسران پناهندگی و رهبران سنتی؛

•حصول اطمینان از شرایط مناسب برای حمایت و تشویق کودکان به بیان دیدگاه‌های خود و اطمینان از اینکه به این دیدگاه‌ها بها داده شده است از طریق قانون‌مند کردن و ترتیباتی که قاطعانه در قوانین و کدهای سازمانی تایید شده و دائما اثربخشی آن‌ها ارزیابی می‌شود؛

• مبارزه با نگرش‌های منفی که مانع تحقق کامل حق کودک بر شنیده شدن می‌شود، از طریق کمپین‌های عمومی، از جمله رهبران عقیده‌ای و رسانه‌ها، برای تغییر مفاهیم عرفی کودک؛

**(ب) تعهدات خاص در رابطه با رسیدگی قضایی و اداری**

**(۱) حق شنیده شدن کودک در دادرسی‌های مدنی قضایی**

۵۰. مسائل اصلی که مستلزم این هستند که کودک شنیده شود در زیر آمده است:

*طلاق و جدایی*

۵۱. در موارد جدایی و طلاق، فرزندان این رابطه به وضوح تحت تأثیر تصمیمات دادگاه قرار می‌گیرند. مسائل مربوط به نفقه و نگهداری کودک و دسترسی توسط قاضی یا در دادگاه یا از طریق میانجیگری هدایت شده توسط دادگاه تعیین می‌شود. بسیاری از حوزه‌های قضایی در قوانین خود، در رابطه با انحلال رابطه، مقرراتی در نظر گرفته‌اند که قاضی باید به «بهترین منافع کودک» توجه کند.

۵۲. به همین علت، همه قوانین مربوط به جدایی و طلاق باید حق کودک به شنیده شدن توسط تصمیم گیران و در فرآیندهای میانجیگری را در نظر بگیرند. بعضی از حوزه‌های قضایی، یا به‌عنوان سیاست یا قانون، ترجیح می‌دهند سنی را تعیین کنند که در آن کودک توانایی بیان دیدگاه‌های خود را دارد. با این وجود، کنوانسیون پیش‌بینی می‌کند که این مسئله، ازآنجایی‌که به سن و بلوغ اشاره دارد، باید مورد به مورد تعیین شود و به همین دلیل مستلزم ارزیابی فردی از ظرفیت کودک است.

*جدایی از والدین و مراقبت جایگزین*

۵۳. هرگاه به علت اینکه کودک قربانی سوءاستفاده یا بی‌توجهی در خانه است، تصمیم بر جدا کردن او از خانواده گرفته شود، باید دیدگاه کودک برای تعیین بهترین منافع او در نظر گرفته شود. مداخله ممکن است توسط اعلام شکایت کودک، یکی دیگر از اعضای خانواده یا یک عضو جامعه مبنی بر سوءاستفاده یا بی‌توجهی در خانواده صورت گیرد.

۵۴. تجربه کمیته این است که حق شنیده شدن کودکان همواره توسط دولت‌های عضو مورد توجه قرار نگرفته است. کمیته توصیه می‌کند که دولت‌های عضو از طریق قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های سیاستی اطمینان حاصل نمایند که دیدگاه‌های کودک، از قبیل تصمیم‌گیری در مورد قرار دادن در خانه‌هایی برای نگهداری، توسعه برنامه‌های مراقبت و بررسی آن‌ها و ملاقات با والدین و خانواده، بیان شده و در نظر گرفته می‌شود.

فرزندخواندگی و کفالت تحت قانون اسلامی

۵۵. هنگامی که یک کودک در فرزندخواندگی یا کفالت تحت قوانین اسلامی قرار داده می‌شود و در نهایت به فرزندخواندگی پذیرفته‌شده یا تحت کفالت قرار می‌گیرد، بسیار مهم است که کودک شنیده شود. چنین پروسه‌ای نیز در زمان فرزندخواندگی ضرورت دارد حتی اگر کودک و والدین برای مدت‌زمان طولانی با هم زندگی کرده باشند.

۵۶. ماده ۲۱ کنوانسیون می‌گوید که بهترین منافع کودک باید مورد توجه قرار گیرد. در تصمیم‌گیری در مورد فرزندخواندگی، کفالت یا سایر انواع، «بهترین منافع» کودک نمی‌تواند بدون توجه به دیدگاه‌های کودک تعریف شود. کمیته از تمام کشورهای عضو می‌خواهد تا در صورت امکان کودک را در مورد تأثیر فرزندخواندگی، کفالت یا سایر موارد مطلع کنند و از طریق قانون اطمینان حاصل کنند که دیدگاه‌های کودک شنیده می‌شود.

**(۲) حق کودک به شنیده شدن در دادرسی کیفری**

۵۷. در پرونده‌های کیفری، حق کودک برای بیان آزادانه خود در کلیه مسائل مربوط به کودک، باید در تمام مراحل پروسه عدالت نوجوان مورد احترام کامل قرار گرفته و اجرا شود.[[9]](#footnote-9)

*مجرمان کودک*

۵۸. پاراگراف ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون مقرر می‌کند کودک متهم یا محکوم به نقض قانون مجازات، حق دارد که شنیده شود. این حق باید در تمام مراحل پروسه قضایی، از مرحله قبل از محاکمه زمانی که کودک حق سکوت دارد تا حق شنیده شدن نزد پلیس، دادستان و قاضی محاکم رعایت شود، در طی مراحل احقاق حق و همچنین اجرای اقدامات اعمال گردد.

۵۹. در صورت روش جایگزین، از جمله میانجیگری، کودک باید فرصتی برای دادن رضایت آزادانه و داوطلبانه داشته باشد و باید فرصت دریافت مشاوره قانونی و دیگر راهنمایی‌ها در تعیین مناسب بودن و مطلوبیت جایگزین پیشنهاد شده به او داده شود.

۶۰. به منظور مشارکت مؤثر در دادرسی، هر کودک باید به سرعت و به طور مستقیم درباره اتهامات علیه وی به زبانی که او درک می‌کند و نیز در مورد پروسه رسیدگی قضایی نوجوانان و اقدامات احتمالی که توسط دادگاه گرفته می‌شود، مطلع شود. رسیدگی باید در فضایی صورت گیرد که کودک بتواند مشارکت کرده و خود را آزادانه بیان کند.

۶۱. جلسات دادگاه و سایر جلسات کودکی که مشکل قانونی دارد باید در پشت درهای بسته برگزار شود. استثنائات این قانون باید بسیار محدود بوده، به وضوح در قوانین ملی مشخص شده و با بهترین منافع کودک هدایت شود.

*کودک قربانی و کودک شاهد*

۶۲. کودک قربانی و کودک شاهد جرم باید به طور کامل از حق ابراز آزادانه نظر خود در مطابقت با قطعنامه ۲۰/۲۰۰۵ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، «راهنمای عدالت در امور مربوط به قربانیان کودکان و شاهدان جرم»، برخوردار باشد.[[10]](#footnote-10)

۶۳. به طور خاص، این امر به این معنی است که باید هر گونه تلاش صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که کودک قربانی / یا شاهد در مورد مسائل مربوط به مداخله او در پرونده تحت بررسی مورد مشورت قرار گرفته و بتواند آزادانه و به شیوه خود، دیدگاه‌ها و نگرانی‌هایش را در رابطه با دخالت او در روند قضایی بیان کند.

۶۴. حق کودک قربانی و شاهد همچنین مرتبط با حق مطلع شدن در مورد مسائلی نظیر دسترسی به خدمات بهداشتی، خدمات روانی و اجتماعی، نقش کودک قربانی و / یا شاهد، شیوه‌های انجام تحقیقات و «پرسش»، مکانیسم‌های پشتیبانی موجود برای کودک در هنگام ارسال شکایت و شرکت در تحقیقات و دادرسی، مکان‌ها و زمان‌های مخصوص جلسات دادرسی، در دسترس بودن اقدامات حمایتی، امکان دریافت خسارت و مقررات تجدید نظر، است.

**(۳) حق شنیده شدن کودک در دادرسی‌های اداری**

۶۵. همه کشورهای عضو باید پروسه‌های اداری را در قانون تنظیم کنند که منعکس‌کننده الزامات ماده ۱۲ باشد و متضمن حق شنیده شدن کودک در کنار سایر حقوق اجرایی، از جمله حق افشای سوابق مربوطه، اطلاع از جلسه و نمایندگی توسط والدین و یا افراد دیگر باشد.

۶۶. احتمال دارد کودکان بیشتر در معرض رسیدگی اداری نسبت به دادرسی قرار بگیرند، زیرا دادرسی‌های اداری کمتر رسمی، انعطاف‌پذیرتر و نسبتا ایجاد آن‌ها از طریق قانون و مقررات آسان‌تر است. این رسیدگی‌ها باید برای کودکان مناسب و قابل دسترس باشند.

۶۷. نمونه‌های خاصی از رسیدگی‌های اداری مربوط به کودکان شامل مکانیزم هایی برای رسیدگی به مسائل انضباطی در مدارس (مانند تعلیق و اخراج)، امتناع از صدور مدارک تحصیلی و مسائل مربوط به عملکرد، اقدامات انضباطی و عدم رعایت امتیازات در مراکز نگهداری نوجوانان، درخواست پناهندگی از کودکان بدون همراه و درخواست گواهینامه رانندگی است. در این موارد، کودک باید حق شنیده شدن داشته باشد و از حقوق دیگر «مطابق با قوانین ملی» برخوردار باشد.

**ب. حق شنیده شدن و ارتباط با دیگر مقررات کنوانسیون**

۶۸. ماده ۱۲ به‌عنوان یک اصل کلی با سایر اصول عمومی کنوانسیون، مانند ماده ۲ (حق عدم تبعیض)، ماده ۶ (حق زندگی، بقا و توسعه) ارتباط داشته و به ویژه، وابسته به ماده ۳ است (توجه اولیه به بهترین منافع کودک). این ماده همچنین با مواد مرتبط با حقوق و آزادی‌های مدنی، به ویژه ماده ۱۳ (حق آزادی بیان) و ماده ۱۷ (حق اطلاعات) ارتباط دارد. علاوه بر این، ماده ۱۲ با تمام مواد کنوانسیون ارتباط دارد که چنانچه کودک به‌عنوان یک موضوع با دیدگاه‌های خود درباره حقوق مندرج در مواد مربوطه و اجرای آن‌ها مورد احترام قرار نگیرد، این ماده به طور کامل قابل‌اجرا نخواهند بود.

۶۹. ارتباط ماده ۱۲ به ماده ۵ (ظرفیت‌های در حال رشد کودک و جهت و راهنمایی مناسب از طرف والدین، به بند ۸۴ اظهارنظر عمومی حاضر مراجعه شود) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا بسیار مهم است که راهنمایی‌های والدین ظرفیت‌های در حال رشد کودک را مورد توجه قرار دهد.

**۱. مواد ۱۲ و ۳**

۷۰. هدف ماده ۳ این است که اطمینان حاصل شود که در همه اقدامات مربوط به کودکان، توسط یک موسسه رفاهی عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اداری یا نهادهای قانون‌گذاری، بهترین منافع کودک، توجه اولیه است. این بدان معنی است که هر اقدامی که از سوی کودک انجام می‌شود، باید بهترین منافع کودک را رعایت کند. بهترین منافع کودک شبیه به یک حق اجرایی است که دولت‌های عضو را ملزم می‌کند گام‌هایی در مراحل عملی برای تضمین رعایت بهترین منافع کودک معرفی کنند. کنوانسیون کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تا اطمینان حاصل کنند که کسانی که مسئولیت این اقدامات را به عهده‌دارند همان‌طور که در ماده ۱۲ آمده است کودک را بشنوند. این اقدام اجباری است.

۷۱. بهترین منافع کودک که در مشورت با کودک ایجاد شده است تنها عاملی نیست که باید در اقدامات نهادها، مقامات و ادارات در نظر گرفته شود. بااین‌حال، مانند دیدگاه کودک از اهمیت حیاتی برخوردار است.

۷۲. ماده ۳ به موارد خاص اختصاص داده شده است، اما به صراحت نیز مقرر می‌کند که بهترین منافع کودکان به‌عنوان یک گروه در تمام اقدامات مربوط به کودکان مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، کشورهای عضو موظف هستند نه‌تنها وضعیت فردی هر کودک را در هنگام شناسایی بهترین منافع خود، بلکه همچنین منافع کودکان را به‌عنوان یک گروه در نظر بگیرند. علاوه بر این، کشورهای عضو باید اقدامات موسسات خصوصی و دولتی، مقامات و همچنین نهادهای قانون‌گذاری را بررسی کنند. تسری تعهد به «نهادهای قانون‌گذاری» به وضوح نشان می‌دهد که هر قانون، مقرره یا قاعده‌ای که بر فرزندان تأثیر می‌گذارد، باید با معیار «بهترین منافع» هدایت شود.

۷۳. شکی نیست که بهترین منافع کودکان به‌عنوان یک گروه تعریف شده، باید همانند مورد منافع فردی شکل گیرد. در صورتی که بهترین منافع تعداد زیادی از کودکان مطرح باشد، سران نهادها، مقامات و یا سازمان‌های دولتی نیز باید فرصت شنیدن کودکان مربوطه از چنین گروه‌های نامشخص را داشته و به نظرات آن‌ها در هنگام برنامه‌ریزی اقدامات، از جمله تصمیمات قانونی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر کودکان تاثیر می‌گذارد، بها دهند.

۷۴. تناقضی بین مواد ۳ و ۱۲ وجود ندارد، تنها نقش مکمل دو اصل کلی: یکی هدف ایجاد بهترین منافع کودک را تعیین می‌کند و دیگری روش رسیدن به هدف گوش دادن به کودک یا کودکان را. در واقع، اگر اجزای ماده ۱۲ رعایت نشود نمی‌توان ماده ۳ را به درستی اجرا کرد. به همین ترتیب، ماده ۳ عملکرد ماده ۱۲ را تقویت می‌کند و نقش حیاتی کودکان را در همه تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، تسهیل می‌کند.

**۲. مواد ۱۲، ۲ و ۶**

۷۵. حق عدم تبعیض، یک حق ذاتی است که توسط تمام ابزارهای حقوق بشر از جمله کنوانسیون حقوق کودک، تضمین شده است. بر طبق ماده ۲ کنوانسیون، هر کودک حق دارد که در انجام حقوق خود، از جمله موارد مندرج در ماده ۱۲، مورد تبعیض نباشد. کمیته تأکید می‌کند که دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای تضمین حق آزادانه کودک به بیان دیدگاه‌های خود و در نظر گرفته شدن این دیدگاه‌ها بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا دیگر عقاید، منشاء ملی، قومی یا اجتماعی، اموال، معلولیت، تولد و یا سایر موارد، در نظر بگیرند. کشورهای عضو باید تبعیض را، از جمله در خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر یا محروم از کودکان مورد توجه قرار داده تا از تضمین حق شنیده شدن و مشارکت کودکان در همه مسائل مربوط به آن‌ها بر مبنای یکسان با دیگر کودکان اطمینان حاصل کنند.

۷۶. به ویژه، کمیته با نگرانی خاطرنشان می‌کند که در برخی جوامع، نگرش‌ها و شیوه‌های عرفی بهره‌مندی از این حق را تضعیف کرده و محدودیت‌های شدیدی در استفاده از این حق ایجاد می‌کند. کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای بالا بردن آگاهی و آموزش جامعه درباره تاثیر منفی چنین نگرش‌ها و شیوه‌ها و ایجاد تغییرات نگرشی برای دستیابی کامل به حقوق هر کودک تحت کنوانسیون انجام دهند.

۷۷. کمیته کشورهای عضو را موظف می‌کند تا توجه ویژه‌ای به‌حق دختربچه‌ها برای شنیده شدن، دریافت حمایت در صورت نیاز، ابراز نظرات و بها دادن به نظرات آن‌ها داشته باشند زیرا کلیشه‌های جنسیتی و ارزش‌های پدرسالارانه بهره‌مندی دختران از حقوق مندرج در ماده ۱۲ را تضعیف کرده و محدودیت‌های شدید بر آن‌ها وارد می‌کند.

۷۸. کمیته از تعهدات کشورهای عضو در ماده ۷ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت استقبال می‌کند تا اطمینان حاصل شود که کودکان دارای معلولیت از کمک و تجهیزات لازم برای بیان آزادانه دیدگاه‌های خود و برای بها دادن به این دیدگاه‌ها بهره‌مند هستند.

۷۹. ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک تصدیق می‌کند که هر کودک یک حق ذاتی برای زندگی دارد و دولت‌های عضو باید حداکثر بقا و توسعه کودک را تضمین کنند. کمیته اهمیت ارتقاء فرصت‌ها را برای حق شنیده شدن کودک مورد توجه قرار می‌دهد چرا که مشارکت کودکان یک ابزار برای تحریک توسعه کامل شخصیت و توانایی‌های در حال رشد کودک مطابق با ماده ۶ و با اهداف آموزش مندرج در ماده ۲۹ است.

**۳. مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۷**

۸۰. ماده ۱۳، در مورد حق آزادی بیان و ماده ۱۷ در مورد دسترسی به اطلاعات، پیش‌شرط‌های لازم برای اجرای موثر حق شنیده شدن هستند. این مواد نشان می‌دهد که کودکان موضوع حقوق هستند و همراه با ماده ۱۲ آن‌ها بیان می‌کنند که کودک حق دارد آن حقوق را مطابق با توانایی‌های در حال تحول خود استفاده کند.

۸۱. حق آزادی بیان مندرج در ماده ۱۳ اغلب با ماده ۱۲ اشتباه گرفته می‌شود. بااین‌حال، هر چند که هر دو ماده به شدت مرتبط هستند، آن‌ها حقوق مختلفی را بیان می‌کنند. آزادی بیان مربوط به حق داشتن و ابراز نظرات و جستجو و دریافت اطلاعات از طریق هر رسانه‌ای است. بیان می‌کند که حق کودک به داشتن عقیده و بیان آن توسط کشورهای عضو محدود نشود. به همین ترتیب، دولت‌ها متعهد هستند از دخالت در بیان این دیدگاه‌ها یا دسترسی به اطلاعات خودداری کنند، درحالی‌که باید از حق دسترسی به وسایل ارتباطی و گفتگوی عمومی حمایت کنند. ماده ۱۲، بااین‌حال، به حق بیان دیدگاه‌ها بخصوص در ارتباط با موضوعاتی که بر کودک تاثیر می‌گذارد و حق دخالت در اقدامات و تصمیماتی که بر زندگی او تاثیر می‌گذارد، مربوط می‌شود. ماده ۱۲ کشورهای عضو را موظف به ارائه چارچوب قانونی و مکانیسم لازم برای تسهیل درگیر کردن فعالانه کودک در تمام اقدامات مؤثر بر کودک و در تصمیم‌گیری و برآورده کردن تعهد اهمیت دادن به آن نظرات به محض بیان آن‌ها می‌کند. آزادی بیان در ماده ۱۳ نیازمند چنین مشارکت یا پاسخی از سوی کشورهای عضو نیست. بااین‌حال، ایجاد محیطی برای احترام به کودکان برای بیان دیدگاه‌های خود، مطابق با ماده ۱۲، همچنین در ایجاد ظرفیت‌های کودکان برای اجرای حق آزادی بیانشان سهیم است.

۸۲. برآورده كردن حق كودك به اطلاعات، مطابق با ماده ۱۷ تا حد زيادي يك شرط لازم براي تحقق موثر حق ابراز نظر است. کودکان نیاز به دسترسی به اطلاعات در قالب‌های متناسب با سن و ظرفیت آن‌ها در همه موارد مرتبط به آن‌ها دارند. این امر به اطلاعات مربوط می‌شود، به‌عنوان مثال، اطلاعات مربوط به حقوق آن‌ها، هر رسیدگی که بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد، قوانین ملی، مقررات و سیاست‌ها، خدمات محلی و مراحل شکایت و تجدید نظر. مطابق با مواد ۱۷ و ۴۲، کشورهای عضو باید حقوق کودکان را در برنامه درسی مدرسه قرار دهند.

۸۳. کمیته همچنین به کشورهای عضو یادآوری می‌کند که رسانه‌ها یک وسیله مهم برای افزایش آگاهی از حق کودکان برای ابراز نظرات و ارائه فرصت‌هایی برای بیان عمومی چنین دیدگاهی هستند. این اشکال مختلف رسانه‌ها را برای اختصاص منابع بیشتر به مشارکت کودکان در توسعه برنامه‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای کودکان برای توسعه و هدایت فعالیت‌های رسانه‌ای درباره حقوق خود، اختصاص می‌دهد.[[11]](#footnote-11)

**۴. مواد ۱۲ و ۵**

۸۴. ماده ۵ کنوانسیون اظهار می‌دارد که کشورهای عضو باید مسئولیت‌ها، حقوق و وظایف والدین، سرپرست‌های قانونی یا اعضای خانواده یا اجتماع گسترده را به موجب آداب محلی جهت هدایت و راهنمایی کودک در اعمال حقوق شناخته شده در کنوانسیون رعایت کنند. در نتيجه، کودک برای جبران کمبود دانش، تجربه و درک خود حق هدایت و راهنمايی دارد و همان‌طور که در این ماده ذکر شده است این حق از طريق توانايی در حال تحول او محدود می‌شود. هرچقدر کودک بیشتر بداند، تجربه کرده و درک کند، والدین، سرپرست قانونی یا سایر افرادی که مسئولیت قانونی کودک را بر عهده دارند، باید هدایت و راهنمایی را به یادآوری و مشاوره و بعدا به مبادله بر مبنای برابر تغییر دهند. این تحول در یک دورۀ پیشرفت مشخص در دوران کودکی اتفاق نخواهد افتاد، اما به طور مداوم با تشویق کودک به مشارکت نظراتش افزایش می‌یابد.

۸۵. این الزام توسط ماده ۱۲ کنوانسیون تشویق شده که بیان می‌کند به نظرات کودک باید هر زمانی که کودک قادر به شکل دادن به دیدگاه‌های خود باشد، بها داده شود؛ به عبارت دیگر، وقتی کودکان توانایی به دست می‌آورند، سطح مسئولیت آن‌ها برای تنظیم موضوعاتی که بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد، افزایش می‌یابد.

**۵. ماده ۱۲ و اجرای حقوق کودک به طور کلی**

۸۶. علاوه بر مواد مورد بحث در پاراگراف‌های قبلی، اکثر مواد دیگر کنوانسیون، درگیر کردن کودکان در موضوعاتی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد را ضروری دانسته و ترویج می‌دهند. برای درگیر کردن کودکان، مفهوم مشارکت در همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدون شک، مهره اصلی این مشارکت، ماده ۱۲ است، اما ضرورت برنامه‌ریزی، کار و توسعه در مشورت با کودکان در سرتاسر کنوانسيون دیده می‌شود.[[12]](#footnote-12)

۸۷. اجرا با مشکلات وسیعی از قبیل بهداشت، اقتصاد، آموزش و یا محیط مواجه است که نه‌تنها در مورد کودک به‌عنوان یک فرد بلکه در مورد گروه‌های کودکان و کودکان به طور کلی مورد توجه است. در نتیجه، کمیته همواره مشارکت را به طور گسترده‌ای به منظور ایجاد رویه‌هایی نه‌تنها برای کودکان به طور فردی و گروه‌های تعریف شده از کودکان، بلکه همچنین برای گروه‌هایی از کودکان، مانند کودکان بومی، کودکان دارای معلولیت، یا کودکان به طور کلی، کسانی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی در جامعه خود قرار گرفته‌اند، تفسیر کرده است.

۸۸. این درک جامع از مشارکت کودکان در سند نهایی مصوب جلسه ویژه‌ی بیست و هفتم مجمع عمومی تحت عنوان «یک جهان مناسب برای کودکان»، منعکس‌شده است. کشورهای عضو وعده داده‌اند «برنامه‌هایی برای ترویج مشارکت معنادار کودکان، از جمله نوجوانان، در پروسه‌های تصمیم‌گیری، از جمله در خانواده‌ها و مدارس و در سطح محلی و ملی» (بند الف پاراگراف ۳۲)، توسعه داده و اجرا کنند. کمیته در اظهارنظر عمومی شماره ۵ درباره اقدامات کلی اجرای کنوانسیون حقوق کودک اظهار داشت: «مهم است که دولت‌ها رابطه مستقیمی با کودکان ایجاد کنند، نه‌تنها از طریق سازمان‌های غیردولتی (سازمان‌های غیردولتی) یا موسسات حقوق بشر».[[13]](#footnote-13)

**ج. اجرای حق شنیدن در شرایط و موقعیت‌های مختلف**

۸۹. حق کودک برای شنیده شدن باید در شرایط و موقعیت‌های متنوعی که کودکان رشد می‌کنند، توسعه‌یافته و یاد می‌گیرند، اجرا شود. در این شرایط و موقعیت‌ها، مفاهیم مختلفی از کودک و نقش او وجود دارد که ممکن است دخالت کودکان را در موضوعات روزمره و تصمیمات حیاتی فرا بخواند یا محدود کند. راه‌های مختلفی برای تأثیرگذاری بر اجرای حق کودک بر شنیده شدن وجود دارد که کشورهای عضو می‌توانند برای تقویت مشارکت کودکان مورد استفاده قرار دهند.

**۱. در خانواده**

۹۰. خانواده که در آن کودکان می‌توانند آزادانه ابراز نظر کنند و از سنین اولیه به‌طورجدی مورد توجه قرار گیرند، یک مدل مهم فراهم می‌سازد و کودک را جهت اعمال حق شنیده شدن در جامعه گسترده‌تر آماده می‌کند. چنین رویکردی به پدری و مادری به ارتقاء رشد فردی کمک کرده، روابط خانوادگی را ارتقا داده و از اجتماعی شدن کودکان حمایت کرده و نقش پیشگیرانه علیه تمام انواع خشونت در خانه و خانواده دارد.

۹۱. کنوانسیون حقوق و مسئولیت‌های والدین یا سایر سرپرستان قانونی را برای ارائه راهنمایی و هدایت مناسب به فرزندان خود به رسمیت می‌شناسد (به پاراگراف ۸۴ در بالا مراجعه شود)، اما تأکید دارد که این امر جهت توانا کردن کودک برای اعمال حقوق خود است و مستلزم آن است که آن هدایت و راهنمایی به نحوی سازگار با ظرفیت‌های در حال رشد کودک انجام شود.

۹۲. دولت‌های عضو باید از طریق قانون‌گذاری و سیاست، والدین، سرپرستان و مراقبان کودکان را تشویق به گوش دادن به کودکان و توجه به نظرات آن‌ها در مواردی که به آن‌ها مربوط است، کنند. والدین نیز باید از کودکان در تحقق حق بیان آزادانه و در نظر گرفته شدن نظرات آن‌ها در تمام سطوح جامعه حمایت کنند.

۹۳. برای حمایت از توسعه سبک‌های فرزند پروری جهت رعایت حق شنیده شدن کودک، کمیته توصیه می‌کند کشورهای عضو، برنامه‌های آموزشی والدین را که بر رفتارهای مثبت و نگرش‌های موجود مبتنی است ارتقا داده و اطلاعات در مورد حقوق کودکان و والدین، مندرج در کنوانسیون را پخش کنند.

۹۴. چنین برنامه‌هایی باید به این امور بپردازند:

• رابطه با احترام متقابل بین والدین و فرزندان

• دخالت دادن کودکان در تصمیم‌گیری

• مفهوم توجه به نظرات هر عضو خانواده

• درک، ارتقاء و احترام به توانایی‌های در حال رشد کودکان

• روش‌های برخورد با دیدگاه‌های متضاد در خانواده

۹۵. این برنامه‌ها باید این اصل را که دختران و پسران حقوق برابر برای ابراز نظرات خود دارند را تقویت کنند.

۹۶. رسانه‌ها باید نقش مهمی در رساندن این پیام به والدین که مشارکت کودکان آن‌ها برای خود کودکان، خانواده‌ها و جامعه بسیار ارزشمند است، بازی کنند.

**۲. در مراقبت جایگزین**

۹۷. مکانیسم‌هایی باید معرفی شوند تا اطمینان حاصل شود که کودکان در تمام انواع مراقبت‌های جایگزین، از جمله در موسسات، قادر به بیان دیدگاه‌های خود هستند و آن دیدگاه‌ها در مورد نحوه قرار دادن آن‌ها، مقررات مربوط به مراقبت در خانواده‌های پرستار یا خانه‌ها و در زندگی روزمره آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. این‌ها باید شامل موارد زیر باشند:

• قانونی که حق داشتن اطلاعات مربوط به هر گونه برنامه‌ریزی، مراقبت و / يا رفتار و فرصت‌هاي معنی‌داری براي ابراز نظرات و برای در نظر گرفته شدن آن نظرات در طول روند تصمیم‌گیری را برای کودک فراهم می‌کند.

• قانونی که حق شنیده شدن کودک و در نظر گرفته شدن نظرات او در توسعه و ایجاد خدمات مراقبتی کودک دوستانه را تضمین می‌کند.

• ایجاد یک موسسه نظارتی صالح نظیر آمبودزمان کودکان، کمیسر یا بازرس، برای نظارت برای انطباق با قوانین و مقررات مربوط به ارائه مراقبت، حمایت و یا رفتار با کودکان مطابق با تعهدات مطابق با ماده ۳. نهاد نظارتی باید دسترسی مستمر به امکانات مسکونی (از جمله آن‌هایی که برای کودکانی است که مشکل قانونی دارند)، برای شنیدن نظرات و نگرانی‌های کودکان به طور مستقیم و نظارت بر میزان رعایت اظهارات وی و توجه به آن توسط خود موسسه را داشته باشد.

•ایجاد سازوکارهای موثر، برای مثال، یک شورای نمایندگی کودکان، برای دختران و پسران، در مرکز مراقبت‌های مسکونی، با اختیارات مشارکت در توسعه و اجرای سیاست و هرگونه مقررات موسسه.

**۳. در مراقبت‌های بهداشتی**

۹۸- تحقق مقررات کنوانسیون مستلزم احترام به حق کودک برای بیان دیدگاه‌ها و مشارکت در ارتقاء رشد سالم و رفاه کودکان است. این امر به تصمیمات بهداشت فردی و نیز دخالت کودکان در توسعه سیاست و خدمات بهداشتی نیز اعمال می‌شود.

۹۹. کمیته چندین مسئله متمایز، اما مرتبط در رابطه با دخالت کودک در اقدامات و تصمیمات مربوط به مراقبت‌های بهداشتی خود که باید مورد توجه قرار بگیرد را شناسایی کرده است.

۱۰۰. کودکان، از جمله کودکان خردسال، باید در فرآیندهای تصمیم‌گیری، به شیوه‌ای سازگار با ظرفیت‌های در حال توسعه خود در نظر گرفته شوند. باید اطلاعاتی در مورد درمان‌های پیشنهادی و اثرات و نتایج آن‌ها، از جمله در قالب‌های مناسب و در دسترس برای کودکان دارای معلولیت فراهم شود.

‍۱۰۱. کشورهای عضو باید قوانین یا مقررات را برای اطمینان از دسترسی کودکان به مشاوره محرمانه پزشکی بدون رضایت والدین، بدون در نظر گرفتن سن کودک، در جایی که برای ایمنی یا رفاه کودک مورد نیاز است، معرفی کنند. برای مثال، کودکان به چنین دسترسی‌هایی در جایی که خشونت یا سوءاستفاده در خانه را تجربه می‌کنند یا نیاز به آموزش یا خدمات بهداشت باروری دارند، یا در صورت بروز اختلاف بین والدین و کودک برای دسترسی به خدمات بهداشتی، نیاز دارند. حق مشاوره و دریافت راهنمایی از حق رضایت پزشکی متمایز است و نباید محدود به سن قانونی باشد.

۱۰۲. کمیته از معرفی سن ثابت برای انتقال رضایت به کودک در برخی از کشورها استقبال می‌کند و دولت‌ها را تشویق به معرفی چنین قوانینی می‌کند؛ بنابراین، کودکان بالاتر از آن سن، مستحق دادن رضایت بدون نیاز به ارزیابی حرفه‌ای ظرفیت آن‌ها، پس از مشورت با یک متخصص مستقل و صالح هستند. با این وجود، کمیته شدیداً توصیه می‌کند که دولت‌های عضو، اطمینان حاصل کنند که در صورتی که یک کودک جوان بتواند ظرفیت ابراز دیدگاه آگاهانه نسبت به درمان را نشان دهد، این دیدگاه مورد توجه قرار گیرد.

۱۰۳. پزشکان و مراکز بهداشتی درمانی باید اطلاعات واضح و قابل دسترس را برای کودکان در رابطه با حق آن‌ها در مشارکت در تحقیقات اطفال و آزمایشات بالینی ارائه دهند. آن‌ها باید در مورد تحقیق مطلع شوند، به طوری که رضایت آگاهانه آن‌ها علاوه بر سایر ضمانت‌های اجرایی به دست آید.

۱۰۴. دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را در اختیار کودکان قرار دهند تا برای طراحی و برنامه‌ریزی خدمات جهت سلامت و توسعه خود، دیدگاه‌ها و تجارب خود را سهیم کنند. دیدگاه‌های آن‌ها باید در تمام جنبه‌های ارائه خدمات بهداشتی، از جمله چه خدماتی مورد نیاز است، چگونگی و در کجا به بهترین شکل ارائه می‌شوند، موانع تبعیض‌آمیز برای دسترسی به خدمات، کیفیت و نگرش متخصصان بهداشت و نحوه ارتقای ظرفیت‌های کودکان برای افزایش سطح مسئولیت سلامت و توسعه خود، پرسیده شود. این اطلاعات می‌تواند از طریق سیستم‌های نظرخواهی برای کودکان استفاده‌کننده از خدمات یا درگیر در فرایندهای تحقیق و مشاوره به دست آید و می‌تواند به شوراهای ملی یا محلی یا پارلمان منتقل شود تا استانداردها و شاخص‌های خدمات بهداشتی که حقوق کودک را رعایت می‌کنند، توسعه یابند.[[14]](#footnote-14)

**۴. در آموزش‌وپرورش و مدرسه**

۱۰۵. احترام به حق کودک به شنیده شدن در آموزش‌وپرورش، برای تحقق حق تحصیل، اساسی است. کمیته با نگرانی به تداوم اقتدارگرایی، تبعیض، بی احترامی و خشونت که ویژگی واقعیت بسیاری از مدارس و کلاس‌های درس است، اشاره می‌کند. چنین شرایطی به بیان دیدگاه‌های کودکان و توجه به این دیدگاه‌ها منجر نمی‌شود.

۱۰۶. کمیته توصیه می‌کند که دولت‌های عضو اقدام به ایجاد فرصت‌هایی برای کودکان برای بیان دیدگاه‌های خود و برای در نظر گرفته شدن این دیدگاه‌ها با توجه به مسائل زیر کنند.

۱۰۷. در تمام محیط‌های آموزشی، از جمله برنامه‌های آموزشی در سال‌های اولیه، نقش فعال کودکان در محیط یادگیری مشارکتی باید ارتقا یابد.[[15]](#footnote-15) آموزش و یادگیری باید شرایط زندگی و چشم‌انداز کودکان را در نظر بگیرد. به همین دلیل، مقامات آموزش‌وپرورش باید در برنامه‌ریزی برنامه‌های درسی و برنامه‌های مدرسه نظرات کودکان و والدینشان را در نظر بگیرند.

۱۰۸. آموزش حقوق بشر می‌تواند انگیزه‌ها و رفتار کودکان را تنها زمانی شکل دهد که حقوق بشر در مؤسساتی که کودکان در آن آموزش‌دیده، همراه با دیگر کودکان و بزرگ‌سالان بازی و زندگی می‌کنند، اجرا شود.[[16]](#footnote-16) به طور خاص، حق شنیده شدن کودک در این مؤسسات، تحت نظارت كودكان قرار می‌گیرد، جایی كه كودكان می‌توانند ملاحظه کنند كه آیا واقعا به نظرات آن‌ها آن‌طور که در كنوانسیون بیان شده، توجه شده است.

۱۰۹. مشارکت کودکان برای ایجاد یک محیط اجتماعی در کلاس ضروری است که باعث ایجاد همکاری و حمایت متقابل مورد نیاز برای یادگیری تعاملی کودک محور می‌شود. ارزش نهادن بر دیدگاه کودکان به ویژه در حذف تبعیض، پیشگیری از قلدری و اقدامات انضباطی بسیار مهم است. کمیته از گسترش آموزش و مشاوره به همسالان استقبال می‌کند.

۱۱۰. مشارکت دائمی کودکان در فرایندهای تصمیم‌گیری باید از طریق شورای کلاس‌ها، شوراهای دانشجویی و نمایندگی دانش آموزان در هیئت‌مدیره و کمیته‌های مدارس که در آنجا آن‌ها می‌توانند آزادانه دیدگاه خود را در مورد توسعه و اجرای سیاست‌ها و کدهای مدرسه بیان نمایند، به دست آید. این حقوق به جای تکیه بر حسن نیت مقامات، معلمان و سرپرستان مدارس برای اجرای آن‌ها، باید در قانون بیاید.

۱۱۱. فراتر از مدرسه، کشورهای عضو باید با کودکان در سطوح محلی و ملی در تمام جنبه‌های سیاست آموزشی، از جمله تقویت خصیصه کودک- دوستانه سیستم آموزشی، امکانات غیررسمی و رسمی یادگیری که به کودکان «شانس دومی» می‌دهد، برنامه درسی مدرسه، روش‌های تدریس، ساختار مدرسه، استانداردها، بودجه‌بندی و سیستم‌های حمایت از کودکان مشورت کنند.

۱۱۲. کمیته کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا از توسعه سازمان‌های دانشجویی مستقل حمایت کنند که می‌تواند به کودکان در اجرای مهارت‌های مشارکتی خود در نظام آموزش عالی کمک کند.

۱۱۳. در تصمیم‌گیری در مورد انتقال به سطح بعدی مدارس و یا انتخاب مسیرها یا جریان‌ها، حق شنیده شدن کودک باید تضمین شود زیرا این تصمیمات عمیقاً بر بهترین منافع کودک تاثیر می‌گذارد. چنین تصمیماتی باید موردبررسی اداری یا قضایی باشد. علاوه بر این، در موارد انضباطی، حق شنیده شدن کودک باید کاملاً رعایت شود.[[17]](#footnote-17) به طور خاص، در مورد اخراج یک کودک از آموزش یا مدرسه، این تصمیم باید تحت بررسی قضایی قرار گیرد، زیرا این موضوع در تناقض با حق تحصیل کودک است.

۱۱۴. کمیته از معرفی برنامه‌های کودک -دوستانه مدارس در بسیاری از کشورها که به دنبال ایجاد محیط‌های تعاملی، مراقبتی، حمایتی و مشارکتی هستند که کودکان و نوجوانان را برای نقش‌های فعال و شهروندی مسئول در جوامع خود آماده می‌کنند، استقبال می‌کند.

**۵. در بازی، تفریح، ورزش و فعالیت‌های فرهنگی**

۱۱۵. کودکان به بازی، تفریح، فعالیت‌های فیزیکی و فرهنگی برای توسعه و اجتماعی شدن نیاز دارند. این باید با توجه به ترجیحات و ظرفیت‌های کودکان طراحی شود. کودکانی که قادر به بیان نظرات خود هستند، باید در مورد دسترسی و متناسب بودن امکانات بازی و تفریحی مورد مشورت قرار گیرند. کودکان بسیار كوچك و برخی از كودكان دارای معلولیت که قادر به مشاركت در فرآیندهای مشورتی رسمی نیستند، باید از فرصت‌های ویژه‌ای برای ابراز خواسته‌های خود برخوردار شوند.

**۶. در محل کار**

۱۱۶. کودکانی که در سن‌های جوان‌تر از مقررات قانونی و کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (شماره ۱۳۸ (۱۹۷۳) و ۱۸۲ (۱۹۹۹) کار می‌کنند، باید در محیط‌های حساس به کودک جهت درک دیدگاه‌های آن‌ها از وضعیت و بهترین منافعشان شنیده شوند. آن‌ها باید در جستجو راه‌حلی باشند که محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی-ساختاری و همچنین زمینه‌های فرهنگی که این کودکان در آن کار می‌کنند را رعایت کنند. کودکان همچنین باید در زمان توسعه سیاست‌هایی برای از بین بردن علل ریشه‌ای کار کودکان، به‌ویژه در مورد تحصیل، شنیده شوند.

۱۱۷. کودکان کارگر مستحق حمایت در برابر سوءاستفاده از قانون هستند و باید درهنگام بررسی محیط و شرایط کار توسط بازرسانی که در پی تحقق قوانین کار هستند، شنیده شوند. کودکان و در صورت وجود، نمایندگان انجمن‌های کودکان کار نیز باید هنگام تهیه پیش‌نویس قانون کار و یا زمان لازم‌الاجرا شدن قوانین و ارزیابی آن‌ها شنیده شوند.

**۷. در شرایط خشونت**

۱۱۸. کنوانسیون حق کودک به حمایت در برابر هر نوع خشونت و مسئولیت دولت‌های عضو برای تضمین این حق برای هر کودک بدون تبعیض را ایجاد می‌کند. کمیته کشورهای عضو را تشویق می‌کند با کودکان درزمینهٔ توسعه و اجرای اقدامات قانونی، سیاست‌گذاری، آموزش و سایر اقدامات برای مقابله با تمام انواع خشونت مشورت کنند. توجه ویژه به کودکان به حاشیه رانده شده و محروم، مانند کودکان مورد سوءاستفاده، کودکان خیابانی یا کودکان پناهنده، ضرورت دارد تا اطمینان حاصل شود آن‌ها از پروسه مشاوره‌ای که به منظور ابراز دیدگاه‌ها در مورد پروسه قوانین و سیاست مربوطه طراحی می‌شوند، مستثنی نشده‌اند.

۱۱۹. در این راستا، کمیته از نتایج تحقیق دبیر کل سازمان ملل در مورد خشونت علیه کودکان استقبال می‌کند و از طرف دولت‌های عضو می‌خواهد توصیه‌های آن از جمله توصیه‌هایی برای فراهم آوردن فضایی برای کودکان تا آزادانه دیدگاه‌های خود را بیان کنند و به این دیدگاه‌ها در همه جنبه‌های پیشگیری، گزارش و نظارت بر خشونت علیه آن‌ها توجه شود را به طور کامل اجرا کنند.[[18]](#footnote-18)

۱۲۰. بسیاری از خشونت علیه کودکان به دلیل عدم وجود مکانیسم‌های گزارش دهی کودک- دوستانه و به دلیل اینکه برخی از اشکال خاص سوء رفتار از طرف کودکان به‌عنوان رفتارهای قابل‌قبول درک شده است، به چالش کشیده نمی‌شود. به‌عنوان مثال، آن‌ها کسی را ندارند که با اعتمادبه‌نفس و ایمنی در مورد تجربه بدرفتاری، مانند مجازات بدنی، ختنه زنان یا ازدواج زودهنگام گزارش دهند و هیچ کانالی ندارند تا مشاهدات عمومی خود را به کسانی که مسئولیت اجرای حقوقشان را بر عهده دارند، ارسال کنند؛ بنابراین، در برگرفتن مؤثر کودکان در اقدامات حمایتی مستلزم آن است که کودکان در مورد حقشان به شنیده شدن و رشد بدون هر نوع خشونت فیزیکی و روانی مطلع شوند. کشورهای عضو باید همه نهادهای کودکان را ملزم به ایجاد دسترسی آسان به افراد یا سازمان‌هایی کنند که کودکان می‌توانند با اعتمادبه‌نفس و ایمنی از جمله از طریق خدمات تلفنی گزارش دهند و مکان‌هایی را فراهم کنند که کودکان بتوانند تجربه و نظرات خود را در مورد مبارزه با خشونت علیه کودکان به اشتراک بگذارند.

۱۲۱. کمیته همچنین توجه دولت‌های عضو را به توصیه‌های مندرج در تحقیق دبیر کل سازمان ملل در مورد خشونت علیه کودکان به منظور حمایت و تشویق سازمان‌های کودکان و ابتکارات کودکان برای مقابله با خشونت و شامل کردن این سازمان‌ها در تعریف، ایجاد و ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات ضد خشونت، به طوری که کودکان بتوانند نقش مهمی در حمایت از خود بازی کنند، جلب می‌کند.

**۸. در توسعه استراتژی‌های پیشگیری**

۱۲۲. کمیته یادآور می‌شود که صدای کودکان به طور فزاینده‌ای به نیروی قدرتمندی در پیشگیری از نقض حقوق کودک تبدیل شده است. مثال‌های خوب در دسترس هستند، از جمله درزمینهٔ‌های پیشگیری از خشونت در مدارس، مبارزه با بهره‌برداری از طریق کارهای خطرناک و گسترده، ارائه خدمات بهداشتی و آموزش به کودکان خیابانی و در سیستم قضایی نوجوانان. کودکان باید در شکل دادن به قوانین و سیاست مربوط به این امر و دیگر مسائل، مورد مشورت قرار گرفته و در تهیه، توسعه و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مربوطه مشارکت داشته باشند.

۹**. در رسیدگی‌های مهاجرت و پناهندگی**

۱۲۳. کودکانی که به دنبال والدین خود در جستجوی کار یا به‌عنوان پناهنده به یک کشور می‌آیند، در یک وضعیت خاص آسیب‌پذیر قرار دارند. به همین دلیل ضروری است که حق آن‌ها را برای بیان دیدگاه‌های خود در مورد تمام جنبه‌های رسیدگی به مهاجرت و پناهندگی به طور کامل اجرا نمایند. در مورد مهاجرت، کودک باید در مورد انتظارات تحصیلی و شرایط سلامتی خود به منظور ادغام شدن او در مدرسه و خدمات بهداشتی، شنیده شود. در مورد یک ادعای پناهندگی، کودک علاوه بر این باید فرصتی برای ارائه دلایل خود در خصوص ادعای پناهندگی داشته باشد.

۱۲۴. کمیته تأکید می‌کند که این کودکان باید تمام اطلاعات مربوطه در مورد حقوق خود، خدمات موجود، از جمله وسایل ارتباطی و روند مهاجرت و پناهندگی را به زبان خود به منظور بیان نظرات خود و بها دادن به آن‌ها در روند رسیدگی، دریافت کنند. یک سرپرست یا مشاور باید به طور رایگان تعیین شود. کودکان به دنبال پناهندگی ممکن است به ردیابی مؤثر خانواده و اطلاعات مربوط به وضعیت کشور مبدأ خود برای تعیین بهترین منافعشان نیاز داشته باشند. برای کودکان که قبلاً در درگیری‌های مسلحانه بوده‌اند، ممکن است کمک‌های ویژه‌ای لازم باشد تا آن‌ها بتوانند نیازهای خود را بیان کنند. علاوه بر این، توجه لازم است تا اطمینان حاصل شود که کودکان بی‌خانمان در فرایندهای تصمیم‌گیری در سرزمین‌هایی که در آن ساکن هستند، شامل شوند.[[19]](#footnote-19)

**۱۰. در شرایط اضطراری**

۱۲۵. کمیته تأکید می‌کند که حق مندرج در ماده ۱۲ در شرایط بحران و یا پس از آن متوقف نمی‌شود. شواهد رو به رشدی از سهم قابل توجه کودکان در شرایط درگیری، حل مناقشات پس از جنگ و پروسه بازسازی پس از شرایط اضطراری وجود دارد.[[20]](#footnote-20) بنابراین، کمیته پس از روزهای بحث عمومی در سال ۲۰۰۸ در توصیه خود تأکید کرد که کودکان تحت تاثیر شرایط اضطراری باید تشویق و قادر شوند تا در تجزیه و تحلیل وضعیت و چشم‌انداز آینده خود مشارکت کنند. مشارکت کودکان به آن‌ها کمک می‌کند تا کنترل زندگی خود را دوباره به دست آورند، در بازپروی سهیم بوده، مهارت‌های سازمانی را توسعه داده و حس هویت را تقویت کنند. بااین‌حال، باید مراقب بود تا کودکان را در مقابل شرایط به احتمال زیاد آسیب‌زا یا زیان‌آور حمایت کرد.

۱۲۶. به‌این‌ترتیب، کمیته، کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا از مکانیسم‌هایی که کودکان و مخصوصاً نوجوانان را قادر می‌سازد تا نقش فعالی در پروسه‌های بازسازی پس از شرایط اضطراری و حل‌وفصل اختلافات پس از بحران بازی کنند، حمایت نمایند. دیدگاه‌های آن‌ها باید در سنجش، طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها مطرح شود. برای مثال کودکان در اردوگاه‌های پناهندگان می‌توانند از طریق ایجاد انجمن‌های کودکان برای کمک به ایمنی و رفاه خودشان تشویق شوند. حمایت از کودکان برای ایجاد چنین انجمن‌هایی ضروری است، درحالی‌که اطمینان حاصل شود که عملکرد آن‌ها با بهترین منافع کودکان و حق آن‌ها برای حمایت در برابر تجربیات مضر سازگار است.

**۱۱. در تنظیمات ملی و بین‌المللی**

۱۲۷. بخش بزرگی از فرصت برای مشارکت کودکان در سطح جامعه صورت می‌گیرد. کمیته از تعداد روزافزون پارلمان‌های محلی جوانان، شوراهای کودکان شهرداری و مشاوره‌های ویژه‌ای که در آن کودکان می‌توانند نظرات خود را در پروسه‌های تصمیم‌گیری ابراز کنند، استقبال می‌کند. بااین‌حال، این ساختارها برای مشارکت نماینده رسمی در دولت محلی باید تنها یکی از رویکردهای بسیار برای اجرای ماده ۱۲ در سطح محلی باشند، زیرا آن‌ها فقط تعداد کمی از کودکان را درگیر جوامع محلی می‌کنند. ساعت‌های مشاوره با سیاستمداران و مقامات، بازدید از مدارس و مهدکودک‌ها فرصت‌های بیشتری برای ارتباط ایجاد می‌کنند.

۱۲۸. کودکان باید حمایت و تشویق شوند که سازمان‌ها و موسساتی که توسط خودشان اداره می‌شود را تشکیل دهند که فضای لازم برای مشارکت و نمایندگی معنی‌دار را ایجاد خواهند کرد. علاوه بر این، کودکان می‌توانند دیدگاه‌های خود را به منظور اطمینان از خدمات مناسب‌تر ارائه دهند مثلاً در طراحی مدارس، زمین‌های بازی، پارک‌ها، امکانات تفریحی و فرهنگی، کتابخانه‌های عمومی، مراکز بهداشتی و سیستم‌های حمل‌ونقل محلی. در برنامه‌های توسعه جامعه که برای مشاوره عمومی دعوت می‌کنند، دیدگاه‌های کودکان باید صریحاً گنجانده شود.

۱۲۹. در همین حال، چنین فرصت‌های مشارکتی در بسیاری از کشورها نیز در سطح منطقه‌ای، ایالت فدرال و سطح ملی ایجاد شده است، جایی که پارلمان‌ها، شوراها و کنفرانس‌های جوانان، مکانی را برای کودکان جهت ارائه دیدگاه‌های خود و شناساندن آن‌ها به مخاطبان مربوطه فراهم می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های جامعه مدنی شیوه‌هایی را برای حمایت از کودکان ایجاد کرده‌اند که از شفافیت نمایندگی حمایت کرده و از خطرات سوءاستفاده جلوگیری می‌کنند.

۱۳۰. کمیته از مشارکت قابل توجه یونیسف و سازمان‌های غیردولتی در ارتقای آگاهی‌رسانی در مورد حق برخورداری کودکان از شنیده شدن و مشارکت آن‌ها در تمام زمینه‌های زندگی آن‌ها استقبال می‌کند و همچنین آن‌ها را تشویق به مشارکت بیشتر کودکان در همه مسائل مربوط به آن‌ها، از جمله در سطوح خودجوش، جامعه و سطح ملی یا بین‌المللی و تسهیل تبادل بهترین شیوه‌ها می‌کند. شبکه‌سازی بین سازمان‌های تحت هدایت کودکان باید به طور فعال تشویق شود تا فرصت‌ها برای یادگیری و پلتفرم‌هایی برای ادوکسی جمعی افزایش یابد.

۱۳۱. در سطح بین‌المللی، مشارکت کودکان در نشست‌های جهانی برای کودکان که توسط مجمع عمومی در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ برگزار شد و مشارکت کودکان در فرآیند گزارش دهی به کمیته حقوق کودک از اهمیت خاصی برخوردار است. کمیته از گزارشات کتبی و اطلاعات اضافی شفاهی ارائه شده توسط سازمان‌ها و نمایندگان کودکان در روند نظارت بر اجرای حقوق کودک توسط کشورهای عضو استقبال کرده و دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی را تشویق می‌کند تا از کودکان برای ارائه نظرات خود به کمیته حمایت کنند.

**د.الزامات اساسی برای اجرای حق کودک به شنیده شدن**

۱۳۲. کمیته دولت‌های عضو را ملزم می‌کند تا از رویکردهای نشانه‌ای که بیان دیدگاه کودکان را محدود کرده و یا اینکه اجازه شنیده شدن کودکان می‌دهد اما به نظرات آن‌ها بها نمی‌دهد، خودداری کنند. کمیته تأکید می‌کند که سوءاستفاده بزرگ‌سالان از کودکان، قرار دادن کودکان در شرایطی که به آن‌ها گفته می‌شود چه بگویند، یا قرار دادن کودکان در معرض خطر از طریق مشارکت، اعمال اخلاقی نیستند و نمی‌توانند به‌عنوان اجرای ماده ۱۲ درک شوند.

۱۳۳. برای اینکه مشارکت موثر و معنی‌دار باشد، باید به‌عنوان یک پروسه در نظر گرفته شود، نه به‌عنوان یک رویداد فردی یک باره. تجربه از زمانی که کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ تصویب شد منجر به یک اجماع گسترده در مورد الزامات اساسی شد که باید برای اجرای موثر، اخلاقی و معنادار ماده ۱۲ به دست آید. کمیته توصیه می‌کند که دولت‌های عضو این الزامات را در تمام اقدامات قانونی و دیگر اقدامات برای اجرای ماده ۱۲ وارد کنند.

۱۳۴. تمام پروسه‌هایی که در آن کودک و یا کودکان بایستی شنیده شده و مشارکت کنند، باید:

(الف) شفاف و آموزنده باشد -کودکان باید اطلاعات کامل، قابل دسترس، حساس به تنوع و متناسب با سن در مورد حق خود برای بیان آزادانه دیدگاه‌های خود و بها دادن به آن‌ها و چگونگی انجام این مشارکت، دامنه، هدف و تاثیر بالقوه آن دریافت کنند؛

(ب) داوطلبانه - هرگز نباید کودکان را به بیان دیدگاه‌ها بر خلاف خواسته‌های آن‌ها مجبور کرد و باید اطلاع داشته باشند که می‌توانند در هر مرحله مشارکت خود را متوقف کنند؛

(ج) قابل‌احترام - دیدگاه‌های کودکان باید مورد احترام قرار گیرد و باید فرصت‌هایی برای آن‌ها جهت ایجاد ایده‌ها و فعالیت‌ها فراهم شود. بزرگ‌سالانی که با کودکان کار می‌کنند، باید بر نمونه‌های خوبی از مشارکت کودکان، به‌عنوان مثال، مشارکت آن‌ها در خانواده، مدرسه، فرهنگ و محیط کار، اذعان داشته، احترام گذاشته و پایه‌ریزی کنند. آن‌ها همچنین نیاز به درک بستر اجتماعی و اقتصادی، محیطی و فرهنگی زندگی کودکان دارند. افراد و سازمان‌هایی که برای کودکان و با آن‌ها کار می‌کنند، باید به دیدگاه‌های کودکان در خصوص مشارکت در رویدادهای عمومی احترام بگذارند.

(د) ارتباط - مسائلی که در آن کودکان حق ابراز نظر خود را دارند باید ارتباط واقعی با زندگی آن‌ها داشته باشد و آن‌ها را قادر سازد تا بر دانش، مهارت‌ها و توانایی‌هایشان تمرکز کنند. علاوه بر این، فضا باید ایجاد شود تا کودکان بتوانند مسائلی را که خودشان به‌عنوان مهم و مرتبط شناسایی می‌کنند، برجسته کرده و به آن بپردازند.

(ه) کودک – دوستانه- محیط‌ها و روش‌های کار باید با ظرفیت‌های کودکان سازگار باشد. برای اطمینان از اینکه کودکان به اندازه کافی آماده شده و اعتمادبه‌نفس و فرصت برای ارائه دیدگاه‌های خود دارند، باید زمان و منابع مناسب موجود باشد. توجه به این نکته لازم است که کودکان با توجه به سن و ظرفیت‌های در حال رشد، نیاز به حمایت‌های متفاوت و اشکال مشارکت دارند.

(و) جامع- مشارکت باید جامع باشد، از الگوهای موجود تبعیض خودداری کرده و فرصت‌هایی را برای کودکان در حاشیه، از جمله دختران و پسران، جهت مشارکت تشویق کند. (همچنین به پاراگراف ۸۸ در بالا مراجعه شود). بچه‌ها یک گروه همگن نیستند و مشارکت باید فرصت‌های برابر برای همه، بدون تبعیض به‌هیچ‌وجه، فراهم کند. برنامه‌ها همچنین باید اطمینان حاصل کنند که از لحاظ فرهنگی به کودکان همه جوامع حساس هستند.

(ز) حمایت شده از طریق آموزش - بزرگ‌سالان نیاز به آمادگی، مهارت و پشتیبانی برای تسهیل مشارکت کودکان به طور مؤثر دارند، برای مثال، فراهم کردن آن‌ها با مهارت در گوش دادن، کار با کودکان و مشارکت کودکان به طور موثر با توجه به ظرفیت‌های در حال توسعه آن‌ها. کودکان خود می‌توانند به‌عنوان مربیان و تسهیل‌کنندگان درمورد نحوه ترویج مشارکت موثر مشارکت کنند؛ آن‌ها نیاز به ظرفیت‌سازی برای تقویت مهارت‌های خود، به‌عنوان مثال، آگاهی مشارکت موثر از حقوق خود و آموزش در سازمان‌دهی جلسات، جمع‌آوری کمک مالی، ارتباط با رسانه‌ها، سخنرانی عمومی و ادوکسی دارند؛

(ح) امن و حساس به خطر - در شرایط خاص، بیان دیدگاه‌ها ممکن است شامل خطراتی باشد. بزرگ‌سالان در قبال کودکانی که با آن‌ها کار می‌کنند مسئولیت دارند و باید هر گونه احتیاطی را برای به حداقل رساندن خطر برای کودکان از خشونت، استثمار و یا هرگونه عواقب منفی مشارکت آن‌ها به کار گیرند. اقدامات ضروری برای ارائه حمایت مناسب شامل ایجاد یک استراتژی واضح حمایت از کودک می‌شود که خطرات خاصی را که برخی از گروه‌های کودک با آن مواجه هستند و موانع اضافی در دستیابی به کمک‌ها را تشخیص می‌دهد. کودکان باید از حق خود برای محافظت از آسیب مطلع شوند و بدانند در صورت لزوم برای کمک کجا بروند. سرمایه‌گذاری در کار با خانواده‌ها و جوامع برای درک ارزش و پیامدهای مشارکت و به حداقل رساندن خطراتی که ممکن است کودکان در معرض آن قرار بگیرند مهم است.

(ت) پاسخگو - تعهد به پیگیری و ارزیابی ضروری است. برای مثال، در هر پروسه تحقیق یا مشاوره، کودکان باید در مورد نحوه تفسیر و استفاده از نظراتشان مطلع شوند و در صورت لزوم به آن‌ها فرصت به چالش کشیدن و نفوذ بر تحلیل یافته‌ها داده شود. کودکان همچنین مستحق دریافت نظر دقیق درباره نحوه تاثیر مشارکت آن‌ها بر هر نتیجه‌ای هستند. در هر کجا که مناسب باشد، کودکان باید فرصتی برای شرکت در مراحل پیگیری پروسه یا فعالیت‌ها را داشته باشند. نظارت و ارزیابی مشارکت کودکان باید در صورت امکان با خود کودکان انجام شود.

**ه. نتیجه‌گیری**

۱۳۵. سرمایه‌گذاری در شناسایی حق شنیده شدن کودک در تمام مسائل مربوط به او و همچنین توجه به نظرات او، یک تعهد واضح و فوری قانونی از سوی کشورهای عضو تحت کنوانسیون است. این حق هر کودک بدون هرگونه تبعیض است. دستیابی به فرصت‌های معنی‌دار برای اجرای ماده ۱۲ موجب برچیدن موانع قانونی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود که در حال حاضر مانع از دسترسی کودکان به فرصت‌های شغلی و دسترسی آن‌ها به مشارکت در همه مسائل مربوط به آن‌ها می‌شود. این امر مستلزم آمادگی برای به چالش کشیدن تصورات در مورد توانایی‌های کودکان و تشویق توسعه محیط‌هایی است که در آن کودکان می‌توانند ظرفیت‌ها را ایجاد کرده و نشان دهند. همچنین مستلزم تعهد به منابع و آموزش است.

۱۳۶. برآوردن این تعهدات، یک مشکل برای کشورهای عضو است؛ اما اگر راهبردهای مشخص شده در این اظهارنظر عمومی به صورت سیستماتیک اجرا شود و فرهنگ احترام به کودکان و دیدگاه‌های آن‌ها ایجاد شود، این یک هدف قابل دستیابی است.[[21]](#footnote-21)

1. قعطنامه S-27/2 «دنیای مناسب برای کودکان»، مصوب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۲. [↑](#footnote-ref-1)
2. توصیه های آن روز بحث عمومی در سال ۲۰۰۶ در مورد حق کودکان به شنیده شدن را ببینید، قابل دسترسی در http://www2.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/discussion/  
   Final\_Recommendations\_after\_DGD.doc. [↑](#footnote-ref-2)
3. اظهار نظر عمومی شماره ۵ کمیته (۲۰۰۳) درباره اقدامات کلی اجرای کنوانسیون حقوق کودک را ببینید. (CRC/GC/2003/5) [↑](#footnote-ref-3)
4. معمولا به کنوانسیون به عنوان مقررات، حمایت و مشارکت اشاره می شود. [↑](#footnote-ref-4)
5. CRC/C/GC/7/Rev.، پاراگراف ۱۴. [↑](#footnote-ref-5)
6. Cf. Lansdown G، «توانایی های در حال رشد کودک»، مرکز تحقیقات اینوسنتی، یونیسف/کودکان را حفظ کنید، فلورانس (۲۰۰۵). [↑](#footnote-ref-6)
7. اظهار نظر عمومی شماره ۵ (۲۰۰۳) در مورد اقدامات عمومی اجرای کنوانسیون حقوق کودک، پاراگراف ۲۴ را ببینید. [↑](#footnote-ref-7)
8. اظهار نظر عمومی شماره ۲ (۲۰۰۲) کمیته در مورد نقش مستقل موسسات حقوق بشر را ملاحظه کنید. [↑](#footnote-ref-8)
9. اظهار نظر عمومی شماره ۱۰ (۲۰۰۷) در مورد حقوق کودکان در سیستم قضایی را ببینید.CRC/C/GC/10 [↑](#footnote-ref-9)
10. قطعنامه ۲۰/۲۰۰۵ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، به ویژه مواد ۸، ۱۹ و ۲۰ قابل دسترسی در سایت: www.un.org/ecosoc/docs/2005/Resolution%202005-20.pdf... [↑](#footnote-ref-10)
11. روز بحث عمومی در مورد کودکان و مطبوعات (۱۹۹۶): [www.unhchr.ch/html/menu2/6/  
    crc/doc/days/](http://www.unhchr.ch/html/menu2/6/crc/doc/days/)media.pdf [↑](#footnote-ref-11)
12. اظهار نظر عمومی شماره ۵ (۲۰۰۳) در مورد اقدامات کلی کنوانسیون حقوق کودک. [↑](#footnote-ref-12)
13. همان، پاراگراف ۱۲. [↑](#footnote-ref-13)
14. کمیته همچنین به اظهار نظر عمومی شماره ۳ (۲۰۰۳) در مورد اچ آی وی/ایدز و حقوق کودک، پاراگراف های ۱۱ و ۱۲ و اظهار نظر عمومی شماره ۴ (۲۰۰۳) در مورد سلامت نوجوانان، پاراگراف ۶ جلب توجه می کند. [↑](#footnote-ref-14)
15. رویکرد حقوق بشری به آموزش برای همه: چارچوبی برای تشخیص حقوق کودکان به آموزش و حقوق در تحصیل، UNICEF/UNESCO (2007). [↑](#footnote-ref-15)
16. کمیته حقوق کودک، اظهار نظر عمومی شماره ۱ (۲۰۰۱) در مورد اهداف آموزش (پاراگراف ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون)، (CRC/GC/2001/1). [↑](#footnote-ref-16)
17. کشورهای عضو باید به اظهار نظر عمومی شماره ۸ (۲۰۰۶) کمیته در مورد حقوق کودک به حمایت در برابر مجازات های بدنی، خشن و تحقیر آمیز که استراتژی های مشارکتی برای حذف مجازات بدنی را توضیح می دهد، اشاره کنند. (CRC/C/GC/8) [↑](#footnote-ref-17)
18. گزارش کارشناس مستقل مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه کودکان (A/61/299). [↑](#footnote-ref-18)
19. Cf. اظهار نظر عمومی شماره ۶ (۲۰۰۵) در مورد رفتا ربا کودکان بدون همراه و جدا شده خارج از کشور مبدا خود (CRC/GC/2005/6). [↑](#footnote-ref-19)
20. مشارکت کودکان و افراد جوان در شرایط اضطراری: راهنمایی برای نهادها. [↑](#footnote-ref-20)
21. لطفا برای متن اصلی [اینجا](https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC%2fC%2fGC%2f12&Lang=en) را نگاه کنید. [↑](#footnote-ref-21)